

# راز رستخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی آنچه معمولاً دربارهٔ این «معجزهٔ آلمانی» گفته نمی‌شود

عمر عاصی | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## راز رستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی

حتما شما هم در سخنرانی‌های توسعه بشری و موفقیت درباره آلمان و معجزه اقتصادی این کشور شنیده‌اید و حتما شنیده‌اید که می‌گویند آلمانی‌ها دوباره برخاستند چون «مانند ما» نیستند و ملتی عاشق کار و منظم‌تر هستند. معمولا این دست سخنرانی‌ها و مطالب اینگونه به پایان می‌رسند که اگر ما هم «اخلاقمان» همانند «اخلاق آلمانی‌ها» شود قطعا به آنچه آنها رسیده‌اند خواهیم رسید. اما آیا این حرف دقیق است؟

به نظر می‌رسد پاسخ «خیر» باشد. نظر دروچمان، وبلاگ‌نویسی آلمانی این است که «انضباط آلمانی» شاید نقشی در نهضت آلمان داشته باشد اما

## راز رستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

چنانکه وی به وبسایت «ساسة پست» می‌گوید این عامل نقشی حاشیه‌ای داشته است و البته این تنها نظر او نیست. در این گزارش سعی کرده‌ایم به عجیب‌ترین حقایق دربارهٔ آنچه «معجزهٔ اقتصادی آلمان» خوانده می‌شود بپردازیم.

### ۱- طرح مورگن تاو: تبدیل آلمان به یک کشور زراعتی!

تبدیل آلمان به یک کشور وابسته به کشاورزی تنها نقشهٔ مطرح شده نبود. در اثنای جنگ دوم جهانی خطرناک‌ترین طرح‌ها برای وضعیت نهایی در برابر آلمانی‌ها مطرح شد؛ یکی از این پیشنهادها چنانکه روزنامه دیراشپیگل - بزرگترین روزنامهٔ آلمان - می‌گوید به مثابهٔ انتقام از آلمانی‌ها بود. بر اساس این طرح دو میلیون آلمانی همانند برده به آفریقا انتقال داده می‌شدند. این تنها نقشه‌ای نبود که غربی‌ها برای آلمان چیده بودند.

بنابر «طرح کاوفمن» که توسط تئودور کافمن - از بازرگانان یهودی بانفوذ در آمریکا - در کتاب «آلمان باید له شود» (Germany Must Perish) مطرح شد

## راز رستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

و در سال ۱۹۴۱ میلادی منتشر گردید پیشنهاد شده بود نسل آلمانی‌ها مقطوع شود. طرح او ارسال بیست هزار پزشک برای عقیم‌سازی چهل و پنج میلیون آلمانی بود، به این اعتبار که هر پزشک روزانه بیست و پنج عمل عقیم‌سازی انجام دهد و در نتیجه این طرح پس از یک ماه به پایان رسیده و نسل آلمان‌ها از وجود حذف می‌شد!

به سال ۱۹۴۴ میلادی و در حالی که جنگ در شرف پایان بود، هنری مورگن تاو در منصب وزیر خزانه‌داری ایالات متحده مشغول به کار بود. او نیز مانند بسیاری از سران غرب به این فکر می‌کرد که چگونه می‌شود آلمان را از هرگونه جنگی در آینده باز داشت؟ برای مورگن تاو پاسخ این سوال واضح بود: آلمان را به یک کشور زراعی تبدیل می‌کنیم که برای درآمد به کشاورزی وابسته باشد. در نتیجه هرگونه رابطه آلمانی‌ها با صنعت قطع شده و این کشور را به یک منطقه غیر مودی تبدیل خواهد کرد. اینگونه آلمانی‌ها نخواهند توانست سلاح بسازند و اقتصاد ضعیفی خواهند داشت و در آینده وارد هیچ جنگی نخواهند شد.

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

این طرح در سال ۱۹۴۵ میلادی در کتابی تحت عنوان «آلمان مشکل ماست» (Germany Is Our Problem) ارائه شد. پس از پایان جنگ و شکست آلمان، مشکل فقر و بیکاری در سال ۱۹۴۶ در این کشور خودنمایی کرد، تا جایی که هربرت هوور رئیس جمهور اسبق ایالات متحده تصمیم گرفت برای بررسی وضعیت به این کشور سفر کند؛ بدین ترتیب هوور دانست چنین طرحی توهمی بیش نیست و جز با پاکسازی ۲۵ میلیون آلمانی یا خارج ساختن آنان از کشورشان عملی نخواهد شد و از سوی دیگر بسیاری از سران در ایالات متحده معتقد بودند نباید اشتباهی که پس از جنگ جهانی اول مرتکب شدند را دوباره تکرار کرد. در پایان جنگ بین الملل اول شروط تحقیرآمیزی علیه آلمانی‌ها اعمال شد و همین موجب انتقام آنان گردید. بنابراین طرح مورگن تاو آلمان را به بمبی ساعتی تبدیل می‌کرد که ممکن بود هر لحظه منفجر شود، در نتیجه طرح او رد شد.

## ۲. مارشال خوش قلب

این از خوش شانسی آلمانی‌ها بود که آمریکا از ترس انتقام آینده آنان در سیاست خود تغییر کلی داد و در نتیجه کمک‌های ایالات متحده به اروپای غربی سرازیر شد. این کمک‌ها به موجب برنامه بازسازی اروپا انجام گرفت که به نام «طرح مارشال» معروف است.

جمهوری فدرال آلمان (آلمان غربی) به تنهایی یک و نیم میلیارد دلار کمک دریافت کرد در حالی که آلمان شرقی تحت سلطه شوروی هیچ چیزی به دست نیاورد زیرا استالین از پذیرش کمک‌های آمریکایی‌ها سرباز زد و بلکه بدتر از آن تصمیم گرفت آلمانی‌ها را تنبیه کند چرا که روسیه به سبب آنها خسارت‌های سنگینی را در جنگ متحمل شده بود؛ برای همین کارخانه‌های شرق آلمان غارت شد و به شوروی برده شد. این در حالی بود که «عطای کریمانه» آمریکایی‌ها به سوی غرب سرازیر بود. اینجاست که این سوال پیش می‌آید: این همه دست و دل بازی برای چه بود؟

## راز رستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

پژوهشگران متفق‌اند که این بذل و بخشش نه برای چشمان آبی آلمانی‌ها بود نه به سبب خوش‌قلبی آمریکایی‌ها؛ هدف آمریکا تبدیل آلمان از یک دشمن به یک دوست از طریق توسعه اقتصادی بود. اما چگونه؟ واضح است که فقر و بیکاری بهترین محیط را برای گسترش کمونیسم فراهم می‌ساخت و این همان چیزی بود که آمریکای کاپیتالیست در رویارویی با آن قرار داشت. به همین سبب کمک‌های اقتصادی بهترین راه برای جلوگیری از کمونیسم بود و این همان چیزی است که در علوم سیاسی «Economic Containment» خوانده می‌شود. آمریکایی عملاً توانستند کمربندی از کشورهای ثروتمند را در همسایگی شوروی که بر شرق آلمان سیطره داشت ایجاد کنند.

روژه گارودی فیلسوف فرانسوی، در یکی از کتاب‌هایش اشاره می‌کند که سیا بزرگترین خطر علیه ایالات متحده را فروپاشی اقتصاد در غرب اروپا و به قدرت رسیدن عناصر کمونیست می‌دانست. برای دوری از این خطر باید طرح مارشال اجرا می‌شد. گارودی بر این تاکید می‌کند که پس از این توصیه‌ها به



## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

سال ۱۹۴۷ میلادی، دو وزیر کمونیست از حکومت فرانسه و بلژیک کنار گذاشته شدند.

با وجود آنکه هدف از این کمک‌ها جلوگیری از گسترش کمونیسم بود اما طرح مارشال سود سرشاری را نیز به ایالات متحده برگرداند. این طرح بازاری برای کالاهای مصرفی آمریکا در اروپا فراهم ساخت و در نتیجه اموال رفته به سوی این کشور بازگشت و اینگونه اقتصاد اروپا به شکل اساسی به بازار آمریکا وابسته شد و این فرصتی را برای رشد و پیشرفت آمریکا فراهم کرد. همه اینها در حالی بود که آمریکایی نزد ملت‌های غرب اروپا محبوب نیز می‌شدند.

### ۳. بازیابی عقلی آلمانی‌ها (Umerziehungsprogramm)

اما آمریکا در برنامه‌اش صرفاً به اقتصاد توجه نداشت. آنها همه توان علمی و اطلاعاتی خود را برای تبدیل آلمان به یک کشور دوست و هم‌پیمان در قلب اروپا به کار گرفتند. چه کسی باور می‌کرد پس از آنکه آمریکا آنطور بی‌رحمانه

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

در جنگ دوم جهانی آلمان را زیر بمباران خود داد، اینگونه محبوب آلمانی‌ها شود؟ در پی این بمباران‌ها از شهر کلن جزیک سوم آن چیزی باقی نماند و در هامبورگ سیصد هزار خانه با خاک یکسان شده بود و دردسرن آنگونه ویران شد که در برخی گزارش‌ها با هیروشیما مقایسه می‌شد! ایالات متحده چگونه نگاه آلمانی‌ها را تغییر داد؟

آمریکایی‌ها پس از جنگ باور داشتند که «هر آلمانی یک نازی است». برای همین باید عقل مردم این کشور از نو برنامه‌ریزی می‌شد. یکی از عجیب‌ترین ابزار برای این هدف، اجبار آلمانی‌ها برای دیدار از اردوگاه‌های نازی بود چنانکه در شهر وایمر همه مردم - مردان و زنان - را به قصد «عبرت» مجبور به گشتن در میان اجساد متعفن و دیدن آن وضعیت کردند. با وجود قسوت آن صحنه‌ها، آمریکایی‌ها باور داشتند این یکی از قوی‌ترین راه‌ها برای «تربیت» آلمانی‌ها است.

در بازسازی ذهنیت آلمان‌ها صرفاً از روش‌های «سنگدلانه» استفاده نشد. هدف این بود که آلمانی‌ها به مانند آمریکایی‌ها روش فکر جدید و

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

«دموکرات‌تری» را پیش گیرند که این ماموریت آسانی نبود. به همین هدف، آمریکایی‌ها کمپین تبلیغاتی عظیمی راه انداختند که بارزترین قسمت آن فیلم‌های تبلیغاتی (پروپاگاندا) بود. این کار با نمایش فیلم‌هایی دربارهٔ جنایت آلمانی‌ها و محاکمهٔ سران نازی آغاز شد. اما به تدریج متخصصان توصیه کردند فیلم‌هایی با نگاه مثبت‌تر ساخته شود تا آلمانی‌ها به ارزش‌های «تسامح و برادری» آشنایی یابند. هدف، دادن فرصتی به آلمانی‌ها برای پیوستن دوباره به آنچه «منظومهٔ ارزش‌های دموکراتیک غربی» خوانده می‌شد بود. یکی از این فیلم‌ها «همهٔ انسان‌ها برادرند» نام داشت که در آن یکی از آلمانی‌ها همانند کودکی به نمایش گذاشته می‌شد که پس از عمری طولانی این را یاد می‌گرفت که ملت‌ها متفاوتند و باید با یکدیگر زندگی کنند. در برهه‌ای، شوروی بر چکسلواکی چیره شد و در نتیجه آمریکا یک کشور دوست دیگر را در اروپا از دست داد. برای همین لازم بود به هر شکل ممکن دوست جدیدی را در اروپا به دست بیاورد. اینجا بود که مرحلهٔ جدیدی از

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

ساخت فیلم‌های تبلیغاتی برای به دست آوردن این دوست جدید یعنی آلمان، کلید خورد.

فیلم «سیم خاردارهای پنهان» سعی در از بین بردن پیش‌داوری‌هایی داشت که دربارهٔ آمریکایی‌ها وجود داشت و تلاش می‌کرد برای آلمانی‌ها ثابت کند «شناخت دیگری» فواید بسیاری دارد. همانند صحنه‌ای که یک آلمانی برای اولین بار کوکاکولا می‌نوشد و به لذت آن پی می‌برد. بدین ترتیب این فیلم با خوشحالی مرد آلمانی در حالی که در اوج شادی با دوست آمریکایی‌اش خداحافظی می‌کند به پایان می‌رسد.

فیلم مستند «آلمانِ ساخت آمریکا» (Germany made in USA) نشان می‌دهد که عملیات بازسازی عقل آلمانی‌ها کار آسانی نبود، برای همین آنچه در آن دوره «استراتژی روانی برای آلمان» (Psychologischen Strategieplan für Deutschland) خوانده می‌شد از سوی سیا پشتیبانی می‌شد. یکی از مردان سیا می‌گوید: «باعث سرور من

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

است که سی آی ای اخلاق مدار نبود، وگرنه هرگز نمی توانستیم در جنگ سرد اتحاد جماهیر شوروی را شکست دهیم».

فیلم «آلمان ساخت آمریکا» نشان می دهد که چگونه میلیون ها دلار برای سندیکاهای کارگری و باشگاه های فرهنگی و هنری صرف شد تا میراث فرهنگی «آلمان نازی» جای خود را به نمونه متمدن آمریکایی بدهد. و همینطور برای رسانه، به ویژه مجلات علمی که می توانست تغییراتی ریشه ای برای بازسازی عقلی آلمان ها ایجاد کند. این طرح عملا پیروز شد، آنقدر که در دهه شصت قرن بیستم یعنی تنها پانزده سال پس از پایان جنگ، بیشتر آلمانی ها آمریکا را به سان یک «بهشت» می دیدند.

**۴. چهارده میلیون کارگری که در نهضت آلمان شرکت کردند، آلمانی نبودند!**

حاتم بخشی آمریکایی ها و بازیابی عقلی آلمانی ها برای وقوع معجزه کافی نبود. هنوز نقص چشم گیری در نیروی انسانی وجود داشت و کافی است تصور کنید تنها در جنگ دوم جهانی ۹ میلیون آلمانی کشته شدند که سه

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

میلیون تن آنها غیر نظامی بودند. شاید هیچ چیزی مانند آمار دقیق سایت آلمانی «دی ولت» نتواند حجم خسارت بشری این جنگ را نشان دهد: این جنگ ۲۹۷۷ روز یا به شکل دقیق‌تر ۴۹۸۴۲ ساعت به طول انجامید. در هر ساعت این جنگ هزار انسان - از جمله صد سرباز آلمانی - کشته می‌شد.

پس از جنگ برای آلمانی‌ها واضح بود که این کشور برای برخاستن دوباره نیازمند جبران این خسارت بشری است. عملاً در سال ۱۹۵۵ میلادی آلمان قراردادی با ایتالیایی‌ها امضا کرد تا هزاران کارگر ایتالیایی برای کار به آلمان بروند. اما این تنها آغاز این روند بود. آلمانی‌ها همین‌طور قراردادی را با اسپانیا و پرتغال و یونان و حتی کشورهای اسلامی از جمله مغرب و تونس و ترکیه امضا کردند که تنها از ترکیه بیست و پنج هزار کارگر به آلمان رفتند.

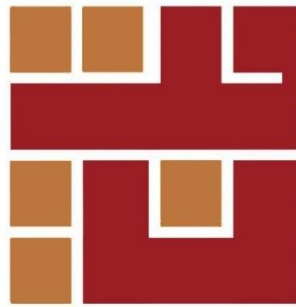
تا پایان جذب کارگران خارجی، چهارده میلیون کارگر خارجی به آلمان رسیدند که بیشترشان به کشورهای خود بازگشتند اما متأسفانه علی‌رغم اعتراف برخی شخصیت‌های بارز آلمانی به نقش بزرگ این کارگران، خانم آیدان اوزوز پژوهشگر امور بیگانگان تصریح می‌کند که کسی سعی نکرد این

## رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی |

کارگران در جامعه آلمان ادغام شوند و توجهی به آموزش زبان آلمانی به آنان صورت نگرفت. در گفتگو با برخی از نوه‌های این کارگران داستان‌هایی از سختی خرید و زندگی پدربزرگ‌های آنان در آلمان شنیدیم، از جمله اینکه برخی از آنها برای خرید مرغ مجبور می‌شدند برای فروشنده ادای مرغ در بیاورند!

منبع: ساسه پست

رازستاخیز آلمان پس از جنگ دوم جهانی



**مرکز مطالعات متین**

[www.MatinStudies.com](http://www.MatinStudies.com)

[t.me/MatinStudies](https://t.me/MatinStudies)

[facebook.com/MatinStudies](https://facebook.com/MatinStudies)

[Instagram.com/Matinstudies](https://Instagram.com/Matinstudies)

[X.com/Matinstudies](https://X.com/Matinstudies)